

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۴ دسمبر ۲۰۲۴

حکومت اسد فروپاشید و ضد انقلاب تحریر الشام به قدرت رسید

بامداد یکشنبه ۱۸ آذر-قوس- نیروهای تحریر الشام و متحدانشان، از محورهای مختلف وارد دمشق پایتخت سوریه شده و بدون هیچ مقاومتی تمامی شهر را تحت کنترل خود در آوردند. آن‌ها بدون هیچ‌گونه مقاومتی، کنترل فرودگاه دمشق و ساختمان رادیو و تلویزیون سوریه را به دست گرفتند و سقوط دولت بشار اسد را اعلام کردند.

آنچه امروز در سوریه می‌گذرد انقلاب نیست. جوششی از درون جامعه برای آزادی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی سوریه نیست. ضد انقلاب است. ضد انقلابی در هیبت اپوزیسیون "شورای ملی و ارتش آزاد سوریه"، تحریر الشام، کردهای خودفرخته تحت حمایت امریکا و چندین گروه و سازمان دستپخت امپریالیسم و قدرتهای ارتجاعی منطقه که همه جانبه مورد حمایت های مادی و معنوی امریکا و اسرائیل و ممالک ارتجاعی عربی و رژیم پان ترکیست و متجاوز ترکیه قرار داشته و پروار شده اند. اهداف سیاسی این اپوزیسیون با خواسته‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل و امریکا در منطقه برای، استقرار یک نظم جدید در خاورمیانه نیز تطابق دارد:

یکم: امپریالیسم امریکا برای ادامه سیطره بر جهان و محاصره روسیه و چین و کنترل اروپا از طریق تسلط بر منابع انرژی و مواد اولیه، به آن نیاز دارد که پشت جبهه خویش را تقویت کرده و حلقه محاصره بر رقبای خود را تنگ تر کند. این سیاست ستراتیژیک به آنجا منجر شده است که امپریالیسم امریکا با پنهان شدن در پشت حقوق بشر، حقوق ملت‌ها را به زیر پا می‌گذارد و احترام هیچ یک از قوانین بین المللی را محفوظ نمی‌دارد. آنها برای نیل به اهدافشان اپوزیسیون سازی می‌کنند. به آنها پول و تسلیحات می‌دهند، برایشان پوشش تبلیغاتی و "کارزارهای حقوق بشری" به راه می‌اندازند. از آنها دست دراز شده سیاست امپریالیستی می‌سازند که ما اکنون در سوریه شاهدش هستیم و در ایران نیز اپوزیسیون مشابهی نظیر فرقه مجاهدین رجوی و ناسیونال شونیست های تجزیه طلب کرد و بلوچ و عرب و چپ‌های پارکابی امپریالیسم برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را داریم. هدف آنها از این اپوزیسیون سازی که با فشار مالی و سیاسی و تبلیغاتی، توسط مشتی گرداننده خودفروش ایجاد می‌شود، خرابکاری و تجزیه طلبی در درون ممالکی است که در متن سیاست ستراتیژیک امریکا مناسب تشخیص داده می‌شوند. "ارتش آزاد سوریه" و یا تحریر الشام ... عکسبرگردان "ارتش آزادی ایران" است که سازمان مجاهدین رجوی هم رئیس جمهورش را از قبل تعیین کرده است و هم ارتش "آزادی بخشش" را. ما می‌بینیم که تلاش امپریالیستها و محاصره اقتصادی و بمباران مداوم زیر ساخت های این کشور ... سرانجام فاجعه آفریده است. امپریالیسم امریکا، اسرائیل صهیونیسم و ترکیه هدفمندانه رژیم

بشار اسد را سرنگون کردند و گروه آدمخواری را بر سر کار آورده اند که هدفشان قتل عام مردم سوریه است، ویران سازی زیر ساخت های آن و پاره پاره کردن بدنه کشوری است که توسط مردم این کشور ساخته شده است. می گویند جولانی خواهان استقرار یک حکومت ملی در سوریه است، امری که اگر صحت هم داشته باشد، به هیچ وجه به مذاق اسرائیل، امریکا و ترکیه که هدفشان تجزیه این کشور است خوش نخواهد آمد. می گویند او حتی خواهان برقراری روابط ستراتیژیک با ایران است که اگر واقعیت داشته باشد، امنیت ایران از سوی سوریه حفظ خواهد شد، امری که قطعاً با مخالفت امریکا، اسرائیل و ترکیه روبه رو خواهد شد. اسد می پنداشت که اگر بدون مقاومت تسلیم شود، ارتش و دستگاه دولتی در سوریه دست نخورده باقی خواهد ماند. امری که اتفاق نیفتاد و به سرعت برق و باد - خلاف تمام قوانین بین المللی - مناطق نظامی کشور مورد حمله سبعانه صهیونیستها قرار گرفت، قصر اسد و بانکها به تاراج رفتند. "کاین هنوز از نتایج سحر است باش تا صبح دولتت بدمد".

دوم: استعمارگران متجاوز غرب بیش از ۱۴ سال ملت سوریه را تحت ضد انسانی ترین تحریم های اقتصادی و تجاوز تروریستی قرار دادند و سقوط و تلاشی رژیم جمهوری عربی سوریه تحت رهبری بشار اسد مولود چنین سیاست تبهارانه ای است که در جهت مصالح صهیونیسم اسرائیل، امریکا و متحدینشان نظیر حکومت ترکیه صورت گرفته است. هدف ستراتیژیک امپریالیسم غرب در ارتباط کامل با تحولات ناتو در اوکراین و در کادر حفظ مصالح اسرائیل در خاورمیانه است که با خالی شدن پشت جبهه ایران تجاوز نظامی احتمالی به کشور ما سهل تر متحقق می گردد. دولت های غربی به ویژه امریکا در جهت این مصلحت حرکت کرده اند و نه در جهت برقراری آزادی و دموکراسی که مردم سوریه مستحق آن هستند. نیویورک تایمز ۲۱ جون خیر داد که افسران سازمان جاسوسی امریکا در جنوب ترکیه به سازماندهی فراریان و خود فروختگان سوری می پردازند و عربستان سعودی نیز حقوق ماهیانه " ارتش آزاد سوریه" را تأمین می کند. اسناد معتبر دیگر حاکیست که دولت متجاوز و نژادپرست اسرائیل نیز از طرق مختلف به "اپوزیسیون سوریه" و ارتش آزاد" سوریه یاری رسانده حتی امکانات درمانی و لجستیکی و اطلاعاتی در اختیارشان قرار داده است.

ترکیه در این میان نقش موزیانه و روباه صفتانه ای ایفا کرده است. یکی از اهداف آنها تجزیه بخش کرد نشین عراق و اعمال سلطه بر آن است، به آن نشان که به مثابه یک نیروی مهاجم و تجاوزگر ۳۰ کیلومتر وارد شمال سوریه شد. این کشور همزمان که به ظاهر از فلسطین حمایت می کرد، گام به گام در عمل شرایط را به نفع اسرائیل و سازماندهی سرنگونی حکومت سوریه، برای تجزیه این کشور آماده کرد، تا با دریافت میلیاردها دلار از غرب، هم به وضعیت بحران زده داخلی اش پرداخته سروسامان دهد و هم بخشی از خاک سوریه را به الحاق ترکیه در آورد. زیرا که یکی از اهداف آنها تجزیه بخش کرد نشین عراق و اعمال سلطه بر آن است.

امروز تمام رسانه های امپریالیستی با امکانات سرسام آورشان عزمشان را جزم کرده تا سناریوی لیبیا و سوریه را برای سرنگونی و تجزیه ایران فراهم سازند.

نیروهایی که چشم بر اینهمه واقعیات می بندند و اراجیف امریکا و اسرائیل در مورد " انقلاب" سوریه را تکرار می کنند، یا مشتکی جاهل و نادان هستند و یا مزدوران جیره خوار امپریالیست در ایران. امپریالیستها در پی آن هستند که در سوریه رژیم گمناشته و گوش به فرمان پنتاگون بر مسند قدرت بنشینند که دشمن فلسطین، لبنان و ایران و همسو با منافع و سیاست ستراتیژیک اسرائیل باشد.

همانطور که اشاره کردیم سیاست ستراتیژیک امپریالیسم امریکا حفظ هژمونی بلامناز عرش در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و کنترل کامل منابع نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی است که کشور چین نیازمند آن است. چنین سیاستی برای

مهارچین و به شکست کشاندن پروژه نظم جدید چند قطبی جهانی از نان شب هم برای انحصارات مالی امریکا واجب تر است. "شورای ملی سوریه و ارتش آزاد آن" و تحریر الشام... ابزاری در دست امریکا و نوکرانش برای تحقق چنین هدف شوم و سیاهی در منطقه هستند.

سوم: پرسش مهم این است؛ چرا رژیم سوریه و بشار اسد و حامیانش خلاف گذشته مقاومت نکردند؟

گزارشات پراکنده ای که منتشر شده است حکایت از آن دارد که پس از اعلام آتش بس میان حزب الله و اسرائیل، حمله به سوریه در دستور کار قرار گرفته و اسرائیل آشکارا بشار اسد را به ترور تهدید کرده بود. اقدامات تروریستی و رعب آور ارتش اسرائیل در سوریه، ترور سردار محمدرضا زاهدی، فرمانده سپاه لبنان، حمله به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق در ۱۳ حمل ۱۴۰۳ و در پی آن عملیات و عده صادق-۱ ایران، ترور سردار عباس نیلوفرشان فرمانده بعدی این سپاه در ۶ میزان ۱۴۰۳ در بمباران بیروت و ترور تمام فرماندهان یگان رضوان در جلسه این قطعه و همچنین حسن نصرالله دبیرکل حزب الله نیز از جمله اقدامات رعب انگیز رژیم صهیونیستی اسرائیل به شمار می آیند. و در ادامه ترور دبیرکل مقاومت لبنان و فرمانده سپاه لبنان، نیروهای مسلح ایران عملیات و عده صادق-۲ را در انتقام از خون این دو فرمانده و همچنین اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس در روز ۱۰ میزان (۱ اکتبر) اجرائی کردند. با این وجود روز ۱۲ میزان (۳ اکتبر) سیدهاشم صفی الدین به همراه جمعی از فرماندهان عالی رتبه حزب الله ترور شدند. گفته می شود در وقایع آن روز تلاش شد فرماندهان ایرانی نیز ترور شوند. این وقایع برای اسد روشن ساخت اگر تصمیمی برای ترور وی گرفته شود، اجرائی شده و حمله نظامی بزرگی نیز در پی آن رخ خواهد داد. محاسبات اسد بر این مبنا بوده که علاوه بر کشته شدن وی، نظام بر اثر فشار مخالفان و حمله خارجی ساقط شده و جنگ به بهانه ای برای تخریب بیش از پیش کشورش تبدیل خواهد شد. از طرفی تحریم های کمر شکن و رشد نارضایتی عمومی و از هم گسیخته شدن پیوند رهبری با مردم و از طرف دیگر کاهش حضور نیروهای ایران و روسیه در سوریه به خاطر مشکلات داخلی شان.... مجموعه عواملی بودند که سبب گشتند حکومت سوریه بیش از این نتواند مقاومت کند.

اواخر تابستان سال ۲۰۱۸ میلادی، سران روسیه و ترکیه در سوچی روسیه به توافقی دست یافته بودند که طبق آن ترکیه و عده داد، بدون خونریزی، تروریست های مستقر در این منطقه را خارج و یا خلع سلاح کند، اتفاقی که هرگز روی نداد و تروریست ها در این منطقه، توسط ترکیه و سازمان های اطلاعاتی اسرائیلی و امریکائی آموزش دیدند و خود را برای حمله نهائی آماده کردند.

چهارم: سقوط رژیم سوریه موجب تشدید تضادهای درونی رژیم ایران شده است. مقام های جمهوری اسلامی در رابطه با سرنگونی رژیم اسد تا بعد از ظهر روز ۱۸ آذر هیچ واکنشی نشان ندادند. وزارت امور خارجه ایران عصر یکشنبه بیانیه ای را منتشر کرد و سقوط رژیم اسد را «تحولات اخیر سوریه» و «دوره ای خطیر در تاریخ سوریه» خواند. در این بیانیه آمده است: «با توجه به تحولات اخیر در سوریه، ضمن یادآوری موضع اصولی ایران مبنی بر احترام به وحدت، حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی سوریه، تأکید می کند که تعیین سرنوشت و تصمیم گیری در مورد آینده سوریه تنها بر عهده مردم این کشور، بدون مداخله مخرب یا تحمیل خارجی است.»

دولت ایران در این بیانیه گفت حکومت ایران «از سازوکارهای بین المللی با محوریت قطعنامه ۲۲۵۴ سازمان ملل متحد برای پیگیری روند سیاسی در سوریه همچون گذشته حمایت کرده و به تعامل سازنده با سازمان ملل متحد در این زمینه ادامه می دهد». همچنین اشاره شده است که تصمیم گیری در مورد آینده سوریه به «پایان هرچه سریع تر درگیری های نظامی، ممانعت از اقدامات تروریستی و شروع مذاکره های ملی با مشارکت همه طیف های تشکیل دهنده جامعه سوریه جهت تشکیل حاکمیت فراگیر که نماینده همه مردم سوریه باشد» وابسته است.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی بدون اشاره به نام بشار اسد و سرنوشت او و همچنین موضع‌گیری در قبال شورشیان اسلامگرای سوریه، روابط بین دو «ملت» را پیش کشید و افزود:

"جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر جایگاه سوریه به عنوان کشوری مهم و تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا، از هیچ کوششی برای کمک به استقرار امنیت و ثبات در سوریه دریغ نخواهد کرد و بدین منظور به رایزنی‌های خود با همه طرف‌های اثرگذار به ویژه در منطقه ادامه خواهد داد و ضمن رصد دقیق تحولات سوریه و منطقه و با در نظر گرفتن رفتار و عملکردهای بازیگران مؤثر در صحنه سیاسی و امنیتی سوریه، رویکردها و مواضع متناسب را اتخاذ خواهد کرد!!" این بیانیه وزارت امور خارجه ایران، سند بی عملی، مماشات، بزدلی و پیامی است به دولت ترمپ که بزودی به کاخ سفید ورود می‌کند. برخی کارشناسان همچنین به پیش‌بینی ناپذیری ناشی از تغییر سیاست‌های ایالات متحده در دوران ریاست‌جمهوری ترمپ اشاره می‌کنند. برای مثال، گفته می‌شود که ترکیه از حمله اخیر شورشیان حمایت کرده است تا موقعیت خود را پیش از آغاز ریاست‌جمهوری ترمپ تقویت کرده و مذاکراتی مطلوب تر با ایالات متحده و روسیه داشته باشد. در میان هواداران ترمپ، هم جناحی وجود دارد که به دنبال سیاستی تهاجمی در خاورمیانه با رویکرد طرفداری از اسرائیل و ضد ایران است و هم جناحی که طرفدار انزوگرائی و خروج ایالات متحده است. هنوز مشخص نیست که ترمپ مداخله عمیق‌تر ایالات متحده برای هدف قرار دادن ایران را دنبال می‌کند یا خروج سریع‌تر امریکا را که در آن بازیگران منطقه‌ای باید خودشان مناقشاتشان را حل کنند.

پنجم: در پایان، سقوط رژیم سوریه می‌تواند نقطه عطف پیروزی و عروج جناح غربگرای بورژوازی ایران، معروف به اصلاح طلب باشد که مدتی پیش توسط رئیس‌جمهورش، مسعود پزشکیان برای، کاخ سفید پیام دوستی صادر کرده است، و گفت " ما را آدم حساب کنید، آقایان!!"

این تازه آغاز تشدید تضاد های درونی نظام خواهد بود. بیش از ۸۰۰ بمباران هوایی در جنوب دمشق در طول ۱۰ سال اخیر توسط اسرائیل، ترور افسران رژیم ایران و سکوت روسیه در این مورد، تحریم های اقتصادی مرگ آورسوریه، عملیات تروریستی جریانات اسلامی تحت رهبری ترکیه و غرب و مخالفت عمومی در ایران برای حضور حکومت در سوریه.... و سیاست نئولیبرالی و ضد کارگری در خلال چهاردهه اخیر اینها همه دیگر رمقی برای رژیم جمهوری اسلامی ایران باقی نگذاشته و بیش از این در ماهیتش نبود تا در قبال متحدش سوریه واکنش نشان دهد. اما مدافعان رژیم جمهوری اسلامی علل فروپاشی نظامی سوریه را به گردن بشار اسد و عدم تمایل وی به مقاومت در مقابل تروریست ها می‌اندازند.

ما بارها تأکید کرده ایم که مبارزه مردم سوریه برای آزادی و عدالت اجتماعی بدون پیوند با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی بی معنی است و ره به جایی نخواهد برد. این امر در مورد کشور ما ایران نیز صادق است و چشم پوشی از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و بدون اتکاء به توده مردم و تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی و نیز تأمین معیشت ملت سرانجام به فاجعه منجر خواهد شد.

در دولت بشار اسد، انتخابات دمکراتیک، احزاب، فعالیت سیاسی و پارلمان، هیچ کدام واقعی نبودند. با این که شکل حکومت جمهوری بود اما اثری جدی از نظر و رأی جمهور در حکومت نبود. او کل حکومت را به حزب بعث محدود کرد و کل حکومت و حزب بعث هم به شخص بشار اسد محدود شدند.

بشار اسد بعد از سرکوب اعتراضات و مقابله با تروریست ها که توسط امپریالیست ها سازماندهی شده بودند و پایان جنگ داخلی به آستی داخلی اقدام نکرد و روند حکمرانی اشتباه خود را ادامه داد. او وعده های اصلاحات سیاسی را

فراموش کرد و به کناری نهاد. اقتصاد کشور در اثر تحریم و غارت نفت این کشور توسط امپریالیست امریکا در هم شکسته شد و اثرات رفرم های نئولیبرالی در چنددهه اخیر فشار را بر جامعه مضاعف کرده بود. برندگان خارجی سقوط اسد را می توان اینگونه نام برد: ترکیه و شخص اردوغان ، اسرائیل، قطر، امریکا، ترمپ و کشورهای جنوب خلیج فارس. سوریه مرکز همکاری ایران و روسیه در زیر سوال بردن نظم تکقطبی بود. همزمان با افزایش اعتراضات غربی به همکاری نظامی میان چین، روسیه، ایران و کوریای شمالی، ترمپ نیز اعضای بریکس را درخصوص جایگزینی دالر تهدید کرد. با از دست رفتن سوریه، جدیت غرب در حمله به مرکز این همکاریها آشکار شد. تحولات سوریه هنور درآغاز کاراست. جنگ داخلی و هرج و مرج کشوررا فرا خواهد گرفت. تحولات سوریه، نقش قدرتهای امپریالیستی درسرنگونی و ویران کردن کشور، درس های فراوانی برای مردم ایران دارد تا به مبارزه شان برای تحولات اقتصادی و آزادی های اجتماعی و سیاسی و مقابله با هر گونه مداخله خارجی ادامه دهند.